

نگاه ایرانی

■ دانش و تجربه فرهنگی ما به ما می‌گوید یکی از مشکلات گسترش روابط و تعاملات فرهنگی و بویژه زمینه‌های زبانی وادب فارسی عدم شناخت یک جامعه از جامعه دیگری است هرچند آن جامعه دارای فرهنگی غنی و تمدنی تاریخی باشد. در حقیقت روی آوری به امر ایران‌شناسی بنا بر مقتضای فرهنگی و میزان شناخت دیگران از ایران مقوله‌ای است که باید حال بسا توجه به صحبت‌های شما که بسیاری از کتب و آثار فاخر زبان و ادب فارسی که قابلیت ترجمه به این زبان استونیایی را دارد هنوز به این زبان ترجمه نشده است و در زمینه تدریس زبان فارسی هم جای کار بیشتر هست، پیشنهاد و راهکارهای شما برای توسعه حوزه ایران‌شناسی در استونی، تدریس و ترجمه متون زبان و ادب فارسی به زبان استونیایی چیست؟

به نظر من، ما باید بیشتر برای دانشجویان و مردم استونی راجع به ایران صحبت کنیم. بسیاری از مردم



You Tube

گفت‌وگو با «لیدیا لئونتوا»؛ استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه «تالین» استونی

فانوس فرهنگ ایران در ساحل دریای بالتیک

از قرن نوزدهم، ایران‌شناسی در «استونی» مورد توجه بوده و از آن زمان، نسخ خطی فارسی به این کشور آورده شد

سعید علی‌محمد میردامادی

رئیس فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در سوئد

خانم «لیدیا لئونتوا» (Lidia Leontjeva)؛ استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تالین استونی (Tallinn University) سال‌ها است که از ایران و ایران‌شناسی سخن می‌گوید و کلاس‌های فارسی دانشگاه تالین به‌عنوان بزرگترین دانشگاه کشور استونی را در پایتخت این کشور اداره می‌کند. خانم لئونتوا در حال حاضر تنها ایران‌شناس – بویژه در حوزه دانشگاه – در کشور استونی است که آگاهی وسیعی در زمینه زبان و ادب فارسی دارد و همچنین در حوزه مباحث مربوط به ایران‌شناسی مشغول به مطالعه و تحقیق است. او به دلیل همکاری‌های فرهنگی ایران و استونی، آمد و شدی با رایزنی فرهنگی ایران در سوئد و همچنین بنیاد سعدی داشته و دارد. بسیار شایسته می‌نمود از تلاش‌ها و تکاپوهای علمی فرهنگی در این خطه و در خصوص تاریخ مطالعات ایران‌شناسی و زبان فارسی در سه کشور شرق حوزه دریای بالتیک یعنی استونی، لتونی و لیتوانی گفت و گو کند و بویژه از فعالیت‌های خود در کشور استونی سخن بگوید. این گفت‌وگو در واقع پاسخی است به خواست محققانی که می‌خواهند بدانند در کشورهایی حاشیه دریای بالتیک وضعیت مباحث مربوط به ایران‌شناسی و زبان و ادب فارسی چگونه است. رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شهر استکهلم سوئد، به این سبب که استونی، لتونی و لیتوانی امور سیاسی و فرهنگی خود را با کشورهای آن ناحیه نمایندگی ایران در سوئد پیگیری می‌کنند، در یک روز جمعه تالستانی او میزبانی کرد تا با او تلاش‌هایش در حوزه دریای بالتیک سخن بگوید.

■ **خانم لئونتوا!** ابتدا و برای ورود به بحث، جهت آشنایی مردم ایران، از پیشینه علمی خود بگویید و اینکه چگونه شد به سوی زبان فارسی و فرهنگ ایرانی کشیده شدید؟

من در شهر تالین پایتخت کشور استونی زندگی می‌کنم و در رشته ایران‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه سنت پترزبورگ در روسیه فارغ‌التحصیل شده‌ام و محقق دوره دکتری در رشته ایران‌شناسی هستم؛ علاقه من در تدریس زبان فارسی و مطالعه در مورد ادبیات ایران است و در حال حاضر استاد زبان فارسی در دانشگاه تالین هستم. هنگامی که از دانشگاه مسکو با درجه کارشناسی ارشد در زمینه زبان فارسی فارغ‌التحصیل شدم با کمک همکارانم توانستیم در قرن بیست و یکم، مجدداً مرکز شرق‌شناسی را در دانشگاه تالین تأسیس کنیم و بنده تدریس و تحقیق در حوزه زبان و ادب فارسی را بر عهده گرفتیم. ما در استونی دانشجویان و محققان علاقه‌مند به ایران داریم ولی متأسفانه منابع و متون مورد استفاده توسط محققان تدریس زبان فارسی در دانشگاه تارتو (University of Tartu) بهره‌گیری از متون انگلیسی بوده است. این یک مشکل است که شما زبان و ادب را تدریس کنی و برای همیشه بخواهی از متون غیر آن زبان و از برگردان‌های متنی بهره‌گیری. من امیدوارم که در آینده این فرصت را داشته باشم که کتاب‌های ارزنده‌ای را از زبان فارسی به زبان استونیایی ترجمه کنم البته در حال حاضر کار من بیشتر صرف آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های کشور استونی می‌شود و کمتر فرصت انجام برگردان به فارسی را دارم. از قرن نوزدهم مباحث مربوط به ایران‌شناسی در دانشگاه تالین مورد توجه بوده است. در اول قرن نوزدهم میلادی مرکز شرق‌شناسی در استونی تأسیس شد و هم زبان

فارسی و هم زبان عربی در دانشگاه تارتو که دانشگاه ملی و مادر کشور استونی است تدریس می‌شد و از قرن نوزدهم نسخ خطی به زبان فارسی از کشورهای مختلف به دانشگاه تارتو آورده شد و استادان مشهوری در این دانشگاه تدریس می‌کردند و البته محققان اهل استونی علاقه زیادی به مطالعه در مورد زبان فارسی داشته و هنوز هم دارند. تعدادی از کتاب‌ها و آثار مشهور ایرانی به زبان استونیایی ترجمه شده است. زبان استونیایی ترجمه شده است. بوستان و گلستان سعدی، آثاری از رودکی و رباعیات خیام از این جمله است. مترجم این آثار، «هالجند اودام» (Haljand Udam) است که خودش زبان فارسی را یاد گرفته بود. ایشان ابتدا زمین‌شناسی خوانده بود ولی بعد علاقه‌مند به مطالعه و بررسی آثار زبان و ادب فارسی شد و شیفته فرهنگ و ادب ایران شد. او در ادامه مطالعه زبان‌های شرقی را در دانشگاه مسکو و دانشگاه تاشکند ادامه داد و توانست در سال ۱۹۷۱ از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «پیرامون معانی و واژه‌های صوفیانه فارسی» با موفقیت دفاع کند. این دانشمند بزرگ استونیایی در سال ۲۰۰۵ درگذشت.

■ **البته این مشکل است که کم و بیش در بسیاری از نقاط جغرافیای فرهنگی ایران‌شناسی شاهد آن هستیم و بسیاری از زبان‌شناسانی که ایران‌شناس هستند ولی زبان فارسی را گاه بخوبی نمی‌دانند و گاه اصلاً نمی‌دانند. در کشور سوئد باره‌ای از آثار فرهنگ ایرانی از زبان‌های دیگر اروپایی به زبان سوئدی برگردان شده است از جمله بسیاری از افسانه‌های ایرانی یا حتی آثار گرانسنگ فارسی چون گلستان سعدی و به همین دلیل نبود محققان و مترجمانی که به زبان فارسی تسلط دارند باعث شده مطالب مربوط به ایران را از متون انگلیسی مطالعه کنند. دقیقاً و عیان خوب نیست و بهتر**

است محققان استونیایی زبان فارسی را فرا بگیرند و تحقیق خود در مورد ایران را مستقیم از متون فارسی انجام دهند. فرهنگ و ادب فارسی این قدر ظرفیت دارد که باید مستقیم وارد این سرزمین و فرهنگ شد و از آن بهره برد. تاکنون کسی را ندیده‌ام که به ایران سفر کرده باشند و علاقه‌مند و شیفته ایران و ایرانی نشده باشد. متأسفانه در قرن بیستم از توجه و تحقیق در حوزه ادب و زبان فارسی کاسته شد و امروزه بیشتر آثار ترجمه شده از ادبیات ایران از زبان‌های دیگر چون انگلیسی به زبان استونیایی ترجمه شده و در اختیار حافظ شیرازی از زبان انگلیسی به زبان استونیایی ترجمه شده است که طبیعتاً خیلی مناسب نیست. وقتی شعرهای حافظ از زبان انگلیسی به زبان استونیایی ترجمه و منتشر می‌شود، لطف شعر حافظ از بین می‌رود و واقعاً این کار ارزش زیادی ندارد. این نظر شخصی من است که اگر هیچ امکان دسترسی به ترجمه مستقیم یک متن به متن استونیایی نباشد باید از انگلیسی ترجمه کنند اما راه بهتر این است که مستقیم از فارسی به زبان استونیایی ترجمه را انجام دهیم. من تلاش دارم تا ارتباط دانشجویان و محققان استونی با ایران را مستقیم‌تر و عینی‌تر کنم تا شاید در آینده به‌طور مستقیم بتوانیم از این آبخشور فرهنگی بهره‌برداری کنیم.

■ **البته لازمه اینکه بتوان یک فرهنگ و آثار و میراث برخاسته از آن را دریافت و مستلزم نه تنها آشنایی بلکه تسلط بر کلیت ساختارهای فرهنگی یک حوزه تمدنی است. زبان، آغاز کار است و باید نسبت به تقویت بنیه زبانی کوشا بود. شما هم اینک زمینه‌های گسترش آموزش زبان فارسی در کشور استونی را چگونه می‌بینید؟ آیا امکانی هست که بتوان در آینده مترجمانی و به دنبال**

لذا می‌توانم با دانشجویان از لحاظ زبانی بخوبی ارتباط برقرار کنم و دانشجویان را به نحو شایسته در یادگیری زبان فارسی کمک کنم. ■ **میزان صحبت‌هایتان اشاره کردید که از قرن نوزدهم تعداد زیادی کتاب‌های فارسی به استونی آورده شده است. این کتاب‌ها قطعاً گنجینه‌ای ارزشمند از آثار فارسی است. هم اینک این آثار در کجا نگهداری می‌شوند؟ عمده این کتاب‌ها در کتابخانه دانشگاه تارتو نگهداری می‌شود و من توانستم این کتاب‌ها را ببینم. در بین این کتب، نسخ خطی هم هستند و بیشتر دیوان‌های شعرای فارسی هستند مثلاً نسخه دستنویس دیوان حافظ در کتابخانه تارتو نگهداری می‌شود که نسخه با ارزشی است.**

■ **در بازدید و گفت‌وگویی که با مسئولان و استادان دانشگاه تالین داشتم متوجه شدم در بخش شرق‌شناسی دانشگاه زبان‌های دیگر از جمله چینی، عربی و ترکی تدریس می‌شد، وضعیت آموزش زبان‌های خارجی غیر فارسی به طور کلی در دانشگاه‌های استونی چگونه است؟ تدریس زبان ترکی در دانشگاه تالین قدمت زیادی دارد. اصولاً مرکز شرق‌شناسی از بخش‌های اولیه‌ای بود که در دانشگاه تالین تأسیس شد. ما رابطه خوب و بر سابقه‌ای با ترکیه داشته‌ایم اما امروزه وضعیت تدریس زبان ترکی مناسب نیست البته از نظر ترجمه وضعیت ترجمه متون از زبان ترکی به زبان استونیایی در مقایسه با ترجمه کتب فارسی وضعیت بسیار بهتری دارد. در مورد تدریس زبان عربی با یک استاد بسیار خوب داریم که در دنیا مشهور است البته در کل وضع تدریس زبان عربی خوب نیست زیرا تدریس زبان عربی مثلاً به طور مشخص از سوی هیچ کشور عربی یا مؤسسه بین‌المللی حمایت نمی‌شود اما از نظر ترجمه‌ای باز وضعیت**



افراد زیادی را در استونی می‌شناسم که با ایران و فرهنگ ایرانی آشنا هستند و این آشنایی بیشتر از طریق مسافرت به ایران و ارتباط با دوستان ایرانی به دست آمده است. من تا حالا کسی را ندیده‌ام که به ایران سفر کرده باشد و وقتی برگشت بگوید که از ایران خوشم نیامده است

عادی در استونی اطلاعات کافی راجع به ایران ندارند که بجاست، زبان مردم در ایران چیست و چه تاریخ و پیشینه فرهنگی دارند. ما می‌توانیم با برگزاری نشست، همایش، ترجمه‌های بیشتر از متون و کتب فارسی و نمایش فیلم برای مردم و بویژه دانشجویان نشان بدهیم که ایران کجاست و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ایران را به مخاطبان استونیایی نشان بدهیم. ■ **تاریخ روابط فرهنگی ایران و سوئد در سال جاری مسیحی یعنی سال ۲۰۱۷ وارد چهارصدمین سال خود می‌شود ولی با وجود این تاریخ طولانی مرادوات سیاسی فرهنگی و تجاری باز عدم شناخت متقابل بر پا است و باید بیشتر به مقوله ایران‌شناسی پرداخت. این وضعیت قطعاً در خصوص استونی از شرایط نامناسب‌تری برخوردار است.**

بله واقعاً مقوله ایران‌شناسی مغفول افتاده و این وظیفه نهادهای مرتبط است در این خصوص کوشش کنند مردم منطقه نزدیک، ایران را نمی‌شناسند و گاهی نسبت به فرهنگ و تاریخ و تمدن عالی ایران و جایگاه فرهنگی تمدنی آن در درازای تاریخ ندارند. ما چگونه می‌توانیم مطالعات ایران‌شناسی را در منطقه توسعه دهیم. این سؤال سختی است. من فقط می‌توانم نظر شخصی خودم را بگویم. بعضی از مردم در منطقه بالتیک، ایران را بخوبی می‌شناسند و به ایران سفر کرده‌اند البته تعداد این افراد هر چه بیشتر شود بهتر است.

افراد زیادی را در استونی می‌شناسم که با ایران و فرهنگ ایرانی آشنا هستند و این آشنایی بیشتر از طریق مسافرت به ایران و ارتباط با دوستان ایرانی به دست آمده است. من تا حالا کسی را ندیده‌ام که به ایران سفر کرده باشد و وقتی برگشت بگوید که از ایران خوشم نیامده است. هر چه امکان سفر به ایران بیشتر باشد بالطبع آشنایی با مردم و فرهنگ ایران بین خارجی‌ها بیشتر می‌شود. ما در استونی ضرب‌المثلی داریم که گوش می‌کنم ترجمه‌اش را به فارسی بگویم. ما می‌گوییم: «چشم خود شاه است». یعنی اگر شما تا به چشم خودتان نبینید، نمی‌توانید نظر درستی بدهید. ایران زیبا را باید از نزدیک دید.

■ **مردم ایران همواره قدردان کسانی هستند که در حوزه فرهنگ و تاریخ و تمدن آنان مطالعه و تحقیق می‌کنند و آنان را شایسته تکریم و تجلیل می‌دانند و این یک خواست عمومی است که ایران‌شناسان را در هر گوشه جهان بویژه با جوانان ایرانی دارید؟**

ما مردم جهان در جهان مدرن زندگی می‌کنیم و به نظر من ما همه مردم دنیا روز به روز بیشتر شبیه یکدیگر می‌شویم چون امکان آشنایی و ارتباط با یکدیگر را به وفور داریم اما در عین حال ما نباید فراموش کنیم که باید موارد خوب را از سایر مردم دنیا یاد بگیریم اما همچنین نباید تمدن و رسیم خوب خود را فراموش کنیم.

نگاه



علی‌امیرمحمدخان... معاون فرهنگی مؤسسه شهر کتاب

نگاهی موشکافانه به جایگاه ایران‌شناسی در شمال اروپا

فرهنگ ایران و کشورهای منطقه بالتیک

امسال چهارصد سال است که از نخستین سفر یک سوئدی به ایران می‌گذرد. سال ۱۶۱۷ م بنا بر اسناد و مدارک تاریخی که از لابه لای سفرنامه‌های سیاحان اروپایی آشکار است «بنکت اوکسن شرنا» به‌عنوان نخستین سوئدی وارد سرزمین ایران می‌شود. در ضمن این سفر یک بازارگان سوئدی به‌نام نیلس ماتسون شویپنگ او را همراهی می‌کند که در سال ۱۶۶۷ یعنی پنجاه سال بعد نخستین کتاب سوئدی را درباره ایران در سوئد منتشر می‌کند. این کتاب چندین بار در سوئد تجدید چاپ می‌شود و نکته قابل توجه بیان شکوهمند و عظمت تاریخی ایران است. ضروری است بار دیگر بررسی و تحلیل شود که در این چهارصد سال در سوئد و منطقه اروپای شمالی و دریای بالتیک گسترش ایران‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی چگونه بوده و چه اهدافی را دنبال کرده است؟ و به کجا و به چه نتایجی انجامیده است؟ چه سیر تاریخی را پشت سر نهاده است؟ ادبیات فارسی چه تأثیری را بر این سرزمین‌ها نهاده و چه تأثیری از غرب پذیرفته است؟ شرط اول، بررسی موقعیت فعلی ایران‌شناس و زبان و ادب فارسی در سوئد، دانمارک، نروژ، فنلاند، استونی، لتونی و لیتوانی در چه موقعیتی قرار دارند و مردم این کشورها چه شناختی از ایران کنونی و تحولات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی در ذهن دارند. ایران فقط در سوئد رایزنی فرهنگی دارد و در دیگر کشورها چندان روابط فرهنگی گسترده نیست.

بخش‌های فارسی در استکهلم سوئد، کپنهاگ دانمارک و استونی فعالیت دارند. استونی سال‌ها از نظر سیاسی و فرهنگی زیرنظر شوروی بود و برخی از ایران‌شناسان روسیه مانند کارل زلمان، ویکتور روزن، فردریک روزنبرگ در تالین استونی متولد شدند و در شمار ایران‌شناسان شوروی محسوب می‌شوند. در لیتوانی هم شرق‌شناسی و ایران‌شناسی تابع همان روش‌هایی بوده که در جمهوری‌های شوروی صورت می‌گرفته و از آن میان چند نفر به ادبیات عربی و فارسی توجه نشان داده‌اند و آثاری در این زمینه پدید آورده‌اند؛ ایران‌شناسانی چون الکساندر چوخوچوک و کراچوسکی که به اشعار عامیانه فارسی و ترانه‌های عامیانه و تاریخ توجه کردند و مقالات و کتاب‌هایی در این باب نوشتند.

در دانمارک نیز توجه به ایران‌شناسی مطلوب است و از دیرباز به ایران و فرهنگ و تاریخ آن علاقه نشان داده‌اند و ایران‌شناسان این کشور علاوه بر تاریخ و ادبیات کهن فارسی، به فولکلور و ادبیات عامیانه ایرانی نیز توجه کرده‌اند و برخی ایران‌شناسان دانمارکی مانند «رتور کریستین سن» با‌ها به ایران سفر کرده‌اند و عضو فرهنگستان ایران نیز بوده‌اند. و هم اینک بخش فارسی و ایران‌شناسی دانمارک با حضور کلاوس پدرسن می‌تواند یکی از قطب‌های مهم ایران‌شناسی و زبان فارسی در اروپای شمالی شود. شهر اوسلاوی سوئد نیز مرکز مهمی برای ایران‌شناسی و زبان فارسی است و در دیگر شهرها همچون استکهلم، مالمو و لوند نیز توجه به مطالعات ایرانی دیده می‌شود.

یو آندرس اوتاس که از شخصیت‌های برجسته حوزه ایران‌شناسی و زبان فارسی در سوئد است، پژوهش‌های فراوانی در ادبیات کلاسیک و معاصر ایران داشته و با اینکه به‌ناگهانی بازنشسته شده است ولی کم‌کم تحقیقات او ادامه دارد. پرسشی که همواره مطرح است این است که امروزه زبان فارسی در جهان چه موقعیتی دارد و آیا شاهد کوروقتی بخش‌های فارسی در دانشگاه‌های جهان هستیم؛ زبان فارسی با تاریخ فرهنگ و هویت ملی ما ایرانیان، پیوندی تمام عیار دارد و ما بخشی از آینده فرهنگی خوش را در گرو سرنوشت آن می‌دانیم، اما شک نباید داشت که این، تنها قسمتی از واقعیت مربوط به زبان فارسی در جهان امروز به‌شمار می‌آید. درک صحیح و کامل این واقعیت با دقت نظر در موقعیت جهانی زبان فارسی و به‌عنوان صاحب نقش در میراث معنوی بشر مطرح است. ایران به‌عنوان یک حلقه روابط بین اروپا و آسیا محسوب می‌شود از قرون گذشته، توجه اروپایی‌ها را به خود جلب کرده است. امروزه ضروری است بازنگری در باب مطالعات ایران‌شناسی و زبان فارسی در اروپای شمالی و منطقه بالتیک صورت گیرد و تصویر دقیق‌تری از فرهنگ و همکاری‌های فرهنگی متقابل بین ایران و کشورهای اسکاندیناوی و کشورهای کمتر شناخته شده‌ای چون استونی، لیتوانی و لتونی فراهم شود و برنامه‌ای برای همکاری‌های چند جانبه تدوین شود. شهر کتاب در پنج سال گذشته چندین برنامه با این کشورها برگزار کرده است و برنامه‌های جدیدی در چهار سال آینده طراحی کرده است.

نگره



علی‌ریچگان... طراح و مجری تجربه گردشگری شهری

شناختن اودام و خیام در استونی

درباره «هاجلند اودام»: «ایران‌شناس فقید استونیایی شناسانده سعدی و خیام در استونی» شهر راگور (Rakvere) در استونی متولد شد و از دانشگاه تربیت معلم زمین‌شناسی فارغ‌التحصیل شد، اما بزودی به فرهنگ شرقی، از جمله ادبیات باستانی ایران علاقه‌مند شد. او در دانشگاه تاشکند و دانشگاه ایلتی مسکو، با زبان‌های شرقی آشنا شد و به فیلسوفان سنتی مانند رنه گون علاقه‌مند شد. اودام در سال ۱۹۷۱ در مسکو، از پایان‌نامه خود «در خصوص معانی خاص معنایی اصطلاحات صوفی فارسی» دفاع کرد. اودام چندین اثر از زبان عربی (ابن طفیل) فارسی (رودکی سمرقندی و علی صافی)، اردو، تاجیک و دیگر زبان‌ها به استونیایی ترجمه کرده است. از جمله برگردان‌های مهم وی نیز بوستان و گلستان سعدی و رباعیات حکیم عمر خیام است. او همچنین به‌عنوان سردبیر و ویراستار در تدوین دایره‌المعارف استونیایی حضور داشته است. اودام کمی پیش از آنکه دار فانی را وداع گوید، موفق به ترجمه قران به زبان استونیایی شد که البته پس از مرگش، در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۷ منتشر شد. مطالعات او بسیار متنوع بود و مقالات متعددی در زمینه‌متافیزیک، سیاست و هنر دارد. در پس کلمات و نظرات او، مطالعات عمیق ادبی و فرهنگی وجود دارد. دو مقاله «خواننده و نوشته» (۱۹۹۸) و «سنگ معدن، فلاسفه، سیاستمداران» (۲۰۰۳) از جمله

این مقالات پربرغم است. از سال ۱۹۸۹ اودام یکی از اعضای اتحادیه نویسندگان استونیایی بود و همچنین موفق به کسب کلاس پنج [V] ستاره سفید (۲۰۰۱) و جایزه فرهنگی استونی (۲۰۰۲) شده است.

مهاجرت اودام از استونی ضربه‌ای سنگین به فرهنگ استونیایی بود. متفکری که‌شاد دانشمند، که نظزش کمتر دیده می‌شود.

عمق دانش اودام در زمینه اسلام‌شناسی در کتاب‌های او منعکس شده است. او در این کتاب‌ها علاوه بر معرفی دین اسلام به تاریخ سیاسی آن نیز توجه ویژه‌ای دارد. او در مورد جهان مذهبی در ترکیه نیز کنکاش کرده است و در بخش‌هایی با عنوان «اسلام و قبایل ترکی» به این موضوع پرداخته است. کتاب تاریخ ترکیه اودام یک نمای کلی از تاریخ این کشور به دست می‌دهد و در آن سهم ارزشمند استونی، در توسعه تاریخ علم را روشن می‌سازد. با این حال، کتاب همچنین دارای برخی از کاستی‌ها و اشکالات است.

این ایران‌شناس و اسلام‌شناس برجسته استونیایی، در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۵ در شهر ویترو (Viterbo) در ایتالیا درگذشت.